فهرست مطالب

[اشاره 2](#_Toc501535310)

[متبادر به ذهن در خبر واحد، خبر عن حسٍ 2](#_Toc501535311)

[اخبار عن حدسٍ 2](#_Toc501535312)

[بنای اعتماد به نظر خبره و کارشناس 3](#_Toc501535313)

[خبرویت در موضوعات و مباحث امروزی 4](#_Toc501535314)

[شمول خبر واحد در حدسیات 4](#_Toc501535315)

[پایه‌های اعتماد به اخبار حسی 5](#_Toc501535316)

[تفاوت باب حسیات و حدسیات 5](#_Toc501535317)

[تفاوت خبر حدسی و حسی 6](#_Toc501535318)

[مراحل خبر حدسی 7](#_Toc501535319)

بسم الله الرحمن الرحیم

# موضوع: فقه / اجتهاد و تقلید / مسأله تقلید (ملاک تشخیص مجتهد و اعلم)

# اشاره

در ذیل بحث خبر ثقه به‌عنوان چهارمین راه برای اثبات موضوعات، از جمله اجتهاد و اعلمیت، چند بحث به عنوان تکمله بیان می‌شود که یکی از مباحث بحث عدالت و وثاقت بود که بیان شد، بحث دوم در ذیل این مباحث، پیرامون این است که موضوعات بر دو قسم هستند، در بعضی موضوعات خبر عن حسٍ وجود دارد، بعضی دیگر به دلیل اینکه جنبه تخصصی و کارشناسی دارد، خبر عن حدسٍ است، این دو موضوع باهم متفاوت است، سؤال این است که آیا در هر دو خبر حجت است و ادله حجیت خبر، هر دو را در برمی‌گیرد، یا اینکه تمایزها و تفاوت‌هایی وجود دارد؟ موضوعاتی که کسی به آن گواهی می‌دهد و از آن اطلاع می‌دهد، گاهی عن حسٍ و گاهی عن حدسٍ است، علت تفاوت این دو خبر و تنوع خبر به خبر عن حسٍ و خبر عن حدسٍ این است که خود موضوعات متفاوت است، بعضی از موضوعات حالت ساده‌ای دارد و جنبه محسوس دارد و عموم مردم در برابر آن امر محسوس، علی السویه هستند، اما بخشی از موضوعات و پدیده‌ها و وقایع در عالم داریم که به طور یکسان و آسان در دسترس همه نیست، بلکه از یک پیچیدگی برخوردار است و تشخیص آن نیازمند یک نوع ممارست و خبرویت است که عن حدسٍ است.

# متبادر به ذهن در خبر واحد، خبر عن حسٍ

آنچه بیشتر در بحث خبر واحد تبادر به ذهن می‌کرده است، قسم اول و عن حسٍ است، وقتی‌که گفته می‌شود خبر اعتبار دارد یا ندارد، همیشه ذهنمان در احکام متبادر به این است که به طور مثال زراره از امام نقل می‌کند، هر کس که در آنجا بود، می‌توانست بشنود و نقل بکند، در موضوعات آنچه متبادر به ذهنمان در بحث خبر ثقه است، این است که به طور مثال باران آمد، کسی آمد یا رفت و امثالهم است، اما قسم دوم پیچیدگی دارد و نیاز به تخصص دارد.

# اخبار عن حدسٍ

در قسم دوم یعنی خبرهایی که گزارش از یک امور تخصصی می‌دهد و تشخیص آن امر یا واقعه و پدیده به تخصص نیاز دارد، البته مقول به تشکیک است، یک امر حدسی تحلیلی که نیاز به خبرویت و کارشناسی دارد، می‌تواند مراتب و درجات متفاوت داشته باشد، گاهی اوقات کارشناسی متعارف است و زیاد سخت نیست، گاهی هم سخت‌تر است.

# بنای اعتماد به نظر خبره و کارشناس

آیا اعتماد به نظر خبره و کارشناس، مشمول ادله حجیت خبر واحد و سیره خبر واحد و امثالهم است، یا این‌طور نیست؟ در اصول این مطلب به ذهن نمی‌آید، در اصول بحث خبر واحد به این صورت است که در احکام امام معصوم به این صورت بیان فرمودند و نقل می‌شود، در موضوعات هم وقایع و حوادث طبیعی که موضوعات احکام است که غالباً جنبه تخصصی ندارد و گزارش‌ها مشمول خبر واحد است و بحث‌های خبرویت در این‌ها نیست، اما در این مبحث منابع و مصادیقی که در مدت اخیر در بحث مسئله بیستم و راه‌های اثبات اعلمیت و اجتهاد بررسی می‌کردیم، اکثراً به سمت حجیت بیّنه، یا حجیت خبر واحد رفته‌اند، ادله خبر ثقه و خبر واحد اینجا در اثبات اعلمیت و اجتهاد موردتوجه قراردادند.

بعضی از اخبار خبرویت نمی‌خواهد، بعضی از اخبار خبرویت می‌خواهد، بدون اینکه آن فرد خبره نباشد، نمی‌تواند این را خبر بدهد، اینکه این شخص اعلم است یا اعلم نیست، مجتهد است یا مجتهد نیست، به‌آسانی در دسترس همه نیست، این مطلب نیاز به یک فرد کارشناس دارد، بتواند بسنجد که بداند این فرد مجتهد است یا مجتهد نیست، اگر هم بخواهد بسنجد که این شخص اعلم است یا اعلم نیست، در این صورت خبرویت بیشتری می‌خواهد.

سخن این است که آیا دومی هم مشمول ادله اولی است، از یک باب است که در اینجا موردبحث قرار می‌گیرد، یا متفاوت است.

ظاهر بخشی از کلماتی که در مسئله بیستم در باب اثبات اجتهاد و اعلمیت واردشده، این است که گویا همان ادله در اینجا هم هست، منتهی یک قیدی دارد، اینکه این فرد که می‌خواهد خبر بدهد، باید یک نوع علمیت و خبرویت هم داشته باشد، چون موضوع نیازمند به این خبرویت است، یا اینکه این‌ها دو باب هستند.

مع‌الأسف در علم اصول، یا در قواعد فقهیه، همچنان جای خالی بحث قول خبره را داریم، در اصول و مباحث حجج، قول اهل خبره به عنوان یک حجت مستقل، جایی در اصول بحث نشده است، در قواعد فقهیه بحث شده، اما این بحث غنی نیست، به همان اندازه که خبر واحد شأنیت مباحث مبسوط و مستوعب دارد، نظر کارشناس هم به عنوان حجت در موضوعات، احیاناً در مبادی اجتهاد دارد، در اینجا هم می‌بایست یک بحث مستوعبی راجع به آن وجود داشته باشد.

غالباً قول اهل خبره در بحث قول لغوی ذکر شده است، در بحث قول لغوی، سخن این است که اعتماد بر اقوال لغویین از باب این است که عن حسٍ خبر می‌دهند، یا اینکه قول لغوی یک قول عن حدسٍ است، یک اجتهادی هم در آن دخیل و سهیم است.

# خبرویت در موضوعات و مباحث امروزی

مخصوصاً در موضوعات الاحکام و فقهی که در دنیا امروز خیلی اهمیت دارد، بخشی از موضوعات امروزی که می‌خواهد احکامی برای آن‌ها ذکر بشود، کاملاً نیاز به خبرویت دارد، موضوع، نیازمند کارشناسی و تخصص است، موضوع معمولی نیست، بلکه موضوع پیچیده است، مثلاً پول، تورم و امثالهم، بعضی از موضوعات در ابتدا حالت ساده و روانی دارد، اما در گذر زمان، تحولاتی رخ می‌دهد که آن موضوع پیچیده می‌شود و همه نمی‌توانند آن را تشخیص بدهند و نیاز به کارشناس دارد، به همین دلیل است که بحث حجیت قول خبره، موضوعی است که در قواعد فقهیه باید توجه مبسوط بشود و احیاناً یک ابعاد اصولی هم دارد، همین‌طور در بحث سیره جای چند مبحث خالی است، شایسته است در باب قول خبره هم شایسته است که در اصول به طور مستقل همه ابعاد آن مشخص بشود.

# شمول خبر واحد در حدسیات

آیا باب خبر واحد شامل حدسیات می‌شود یا متفاوت است؟ طبعاً باید در اینجا ادله دیده بشوند، ادله و مستندات بحث خبر واحد باید عمدتاً مراجعه کرد که آن‌ها شامل این اخبارات حدسی و گواهی‌های تخصصی و کارشناسی می‌شود یا نه؟ اولین دلیلی که باید موردتوجه قرار بگیرد، سیره عقلائی‌هاست.

تفاوت مسئله بیان شد، اما مقداری بخواهیم دقیق‌تر در خبرهای حسی و حدسی بشویم، باید این‌طور بیان کنیم که وقتی کسی از یک امر حسی خبر می‌دهد، این خبر دوپایه و رکن دارد، به طور مثال وقتی کسی می‌گوید که شخصی آمد یا رفت و هر واقعه حسی را که گزارش می‌دهد، موقعی می‌شود به این خبر اعتماد کرد که این فرد راست‌گو باشد و خطاکار و دچار اختلال در ثبت و ضبط نباشد.

اینکه اهل دروغ نیست و راست‌گو است، با یک طریقی انسان باید تشخیص بدهد و دومی هم گاهی انسان اطمینان دارد که این فرد خطاکار نیست، اگر شک بکند، اصل عقلایی وجود دارد، اصالة عدم الخطأ است، اصل این است که انسان‌ها متعارف هستند.

در نوع اول که اخبارات حسی است، اعتماد به خبر حسی، مبتنی بر دو نوع پایه است:

# پایه‌های اعتماد به اخبار حسی

1 – صدق

2 – متعارف در ضبط است.

در رکن دوم یک اصل عقلایی وجود دارد، اصل عقلایی این است که انسان‌ها متعارف هستند و خطأ بیّن به خاطر یک اختلالی در ثبت و ضبطشان نیست.

اما در اخبارات حدسیه، یعنی اظهارنظرهای کارشناسانه، طبعاً این دو موردنیاز است، یعنی وقتی این فرد می‌گوید که رأی من این است و خبر از مسئله‌ای می‌دهد که کارشناسی کرده، باید انسان صادقی باشد و دروغ‌گو نباشد، پایه دوم این است که رأیش مطابق با واقع باشد.

آنجا مستقیم خبر از یک واقعه می‌دهد، باید بگوییم اولاً ایشان صادق است، ثانیاً ایشان ضابط است و درست نقل و ضبط می‌کند، در اینجا که یک نظر کارشناسی راجع به یک موضوعی می‌دهد، باید بگوییم که این فرد امین است، وقتی از رأی خودش گزارش می‌دهد، صادق است، پایه دوم هم این است که رأیش هم درست باشد، در اینجا عقلا می‌گویند که اصل عدم خطأ در رأی نیست.

# تفاوت باب حسیات و حدسیات

بنابراین باب حسیات از حدسیات متمایز در این می‌شود که ضمن اینکه هر دو، دو رکن دارند، اما رکن دومشان باهم متفاوت است، از این نظر باهم مشابه هستند که در حسیات اخبارات و نقل‌ها و گزاره‌های حسی، فرد باید ثقه و ضابط باشد، در حدسیات هم کسی که رأی کارشناسی خودش را در یک موضوعی نقل می‌کند، باید فرد امینی باشد که رأی خودش را درست منعکس بکند، همچنین رأیش هم درست و قابل‌اعتماد باشد.

سیره عقلائیه که می‌گوید خبر واحد حجت است و اعتماد به اخبار دیگران می‌کنیم، در مورد امور حسیه است، سیره عقلا مبنی بر اعتماد به اخبار ثقات است، به این دلیل می‌گوید که خبر ثقه حجت است، چون ثقه بودنش از یک راهی احراز کردید و اینکه اصل عدم خطا است.

اما در قسم دوم و اخبار اجتهادی و کارشناسانه، یک رکنش این است که فرد خبر از رأیش می‌دهد، این قسم با قسم اول یک مشابهتی دارد که این هم یک خبری از عالم درون خودش می‌دهد، سیره عقلا می‌گوید که اگر این فرد ثقه است، اخبار از درونش درست است.

# تفاوت خبر حدسی و حسی

تفاوت خبر حدسی با حسی این است که در حدسی دو مرحله است، یک مرحله این است که این فرد خبر حسی از اعتقادش می‌دهد، این خبر با اخبار و وقایع بیرونی که این فرد می‌دهد، متفاوت است.

در گفتن نظر کارشناسی اصل عدم خطا در عقلا نداریم، بلکه اصلی که هست این است که اشخاص در همه چیز نمی‌توانند متخصص باشند، باید به متخصص اعتماد بشود، یک‌چیزی به نام شبه انسداد به تعبیر شهید صدر و بعضی از بزرگان است، از باب ناچاری، انسان باید به کارشناس اعتماد بکند، اگر اعتماد نباشد، لازمه‌اش این می‌شود که هر کس در هر چیزی کارشناس بشود و این ممکن نیست، یا اینکه عسر و حرج دارد.

سیره عقلائیه در اخبار حسی، عیناً در اخبار حدسی جاری نمی‌شود، برای اینکه دو باب و ملاک دارد، در اخبار حدسی، در حقیقت دو محور داریم که باید حجیتش را ثابت کنیم، هر دو محورش هم با اخبار حسیه متفاوت است، محور اول این است که این فرد می‌گوید که نظر بنده این است، نظرش مطابق با رأی درونشی باشد، خبر از درون می‌دهد، سیره‌ای هست که این خبر حجت است، سیره عقلائیه در خبر واحد در اینجا نیست، بلکه سیره عقلائیه است که می‌گوید؛ در مسائل تخصصی یک فرد جاهل به عالم اعتماد می‌کند، نمی‌گوید که اصل این است که خطا نکرده و نمی‌کند، از باب یک نوع تنظیم زندگی و ناچاری، بهتر از بقیه نظرات است، نظر کارشناسی است، نظر گزافی نیست که بخواهد اعتماد بکند، بالاخره یک کاشفیاتی در آن هست و باید به این کاشفی‌ات عمل کرد.

بنابراین گزارش‌های دیگران بر دو قسم هستند:

1 – حسی

2 – حدسی

در اخبارات حسیه‌ای علاوه بر اینکه وثوق شخص را اثبات می‌کنیم، در ضبطش یک اصل عقلایی عدم خطأ وجود دارد، بر خلاف اخبارات حدسی، در اخبارات حدسی اصل عدم خطأ نیست، بلکه یک کاشفی‌ات فی‌الجمله‌ای دارد، اما این‌طور نیست که اشتباه نمی‌کند.

در خبرهای حسی، سیره عقلائی‌هاست که اگر ثقه بودنش ثابت شد، عدم خطأ با اصل عقلایی جاری می‌شود و سیره عقلائیه بر پایه این دو می‌گوید اعتبار دارد، سیره عقلائیه در اعتماد به اخبارات حسیه بر پایه اثبات ثقه بودن و جریان اصل عدم خطا، می‌گوید که به خبرهای حسی می‌شود اعتماد کرد.

# مراحل خبر حدسی

اما در اخبارات حدسی و نظرات کارشناسی، اگر سیره عقلائیه باشد، به این صورت است که ترکیب خبر حدسی او از دو مرحله است:

1 – می‌گوید که رأی من این است و خبر از درونش می‌دهد، در این مرحله باید ثقه بودن آن فرد ثابت بشود.

2 – آن فرد ضابط است، بعید نیست که بگوییم اصل عدم خطأ در این گزارش عن حسٍ خودش است.

در خبر حدسی دو مرحله است:

1 – خبر حسی از درون خودش دارد.

2 – رأیی هست که اعلام می‌کند.

در مرحله اول، شباهتش به خبر حسی زیاد است، اما درعین‌حال تفاوت دارد، برای اینکه محسوس او برای خودش است، در دسترس دیگران نیست.

در مرحله دوم تفاوتش زیاد است، اعمال کارشناسی و اجتهاد کرده و رأی داده است.

در مرحله اول اخبار حدسیه اصل عقلایی داریم، یعنی سیره عقلائیه داریم که فردی که از خودش خبر می‌دهد، درصورتی‌که امین و صادق باشد، می‌شود به آن اعتماد کرد، در خبط و خطاکاری‌اش، اصل عدم خطأ جاری می‌شود، سیره عقلائی‌هاست که اخبارات اشخاص از درونشان مثل بقیه اخبارات حجت است.

این دو باب از لحاظ سیره عقلائیه نمی‌شود مثل هم و یک باب در نظر گرفت، باب اخبارات حدسی، یک ترکیبی از حس و مرحله حدس است، در حسش، خبر از خود می‌دهد، مثل بقیه اخبار باید بگوییم که خبر ثقه از خود معتبر است، رأی او برای شما اعتبار دارد، می‌توانید به رأی او تکیه بکنیم و نه اینکه به نقل او تکیه بشود.

درواقع وقتی به کارشناس مراجعه می‌کنید، حرف او به دو بخش تقسیم می‌شود، از دو نظر به حرف او اعتماد می‌کنید:

1 – اخبار شخص عن نفسه است، با توجه به اینکه این شخص امین است، اصل عدم خطأ هم جاری می‌شود، اصل عدم تقیه هم جاری می‌شود، این مرحله شباهتش به اخبارات حسی زیاد است، اما تفاوت‌هایی هم دارد، برای اینکه اخبارات حسی غالباً از بیرون است، اما این اخبار از درون است، سیره عقلائیه در اینجا جاری می‌شود، می‌گوید که وثوقش را احراز بکن و اصل عدم خطأ هم جاری می‌شود و می‌شود به این خبر اعتماد کرد.

2 – بعد که از اینکه از این مرحله عبور کردید، به مرحله دوم می‌رسید که واقعاً حرف او این مطلب است، اما سؤال اینجاست که نظر او چه ربطی به من دارد، در اینجا سیره دیگری است، این سیره خبر واحد نیست، بلکه سیره اینجا به این صورت است که نظر کارشناس برای شما اعتبار دارد.

در تقلید وقتی می‌گویید که نظر او حجت است، منظور مرحله دوم است، اما مرحله قبل هم می‌خواهد، این فردی که می‌گوید رأی من این است، می‌شود به گزارش او اعتماد کرد، از این نظر که واقعاً نظر او همین است، خلاف نقل نکرده است که اخبارات حسیه است، اما مرحله دوم این است که رأی او برای من حجت است، این بحث خبر نیست، بلکه باب دیگری است.